

عوامل برون دینی ناسازگاری پیروان ادیان

احمد ترابی

ادیان بزرگ آسمانی که چشمه سار جوشش خود را در ژرفای عالم ملکوت نشانی داده اند، آن هنگام که از بلندای وحی به منزلگاه خاکی این طبیعت فرود آمده و در ظرف کلمات و ظرفیت واژگان و قالب مفاهیم بشری جای گرفته اند، کارکردی دوگانه برای ادیان رقم زده اند.

این تأثیر و کارکرد دوگانه اگر به درستی شناخته و تحلیل نشود، می تواند در پندار ظاهرینان و سست اندیشان، مایه تناقض و ناکارآمدی شمرده شود! و اگر به بایستگی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد، می تواند یک ضرورت اجتناب ناپذیر به حساب آید.

روح ادیان و گوهر پیام وحی، چونان روح آدم - عصاره نسل انسان - که الهی، رحمانی و سراسر خیر و خوبی بوده و آن گاه که به حکم حکمت خداوندی آن نفخه الهی در کالبد خاکی دمیده شده و به زمین هبوط کرده است، به نشأه مادی کشیده شده و کارکردی دوگانه یافته و توانسته است از فرشته پرآن تر و یا از بهیمه فروتر رود، به اوج آسمان راه یابد، یا در حضيض زمین گرفتار آید! ادیان آسمانی

نیز در فاصله میان آن مبدأ و این فرجام و این مخاطبان، دو ظهور و بروز ناهمسو داشته اند! ادیان آسمانی به حکم آن که از مبدأ خیر و رحمت و نور نشأت گرفته و به هدف رشد، هدایت، نجات بخشی و سعادت جاودان بشر نازل شده اند، ماهیتی نوری و گوهری رحمت آفرین داشته اند:

«تلك آیات الكتاب الحكيم. هدى و رحمه للمحسنين» لقمان/۳

این ویژگی ها اختصاص به قرآن نداشته است، چه اینکه تورات و انجیل نیز اوصافی این چنین داشته اند:

«إنا أنزلنا التوراة فيها هدى و نور» مائده/۴۴

«و آتیناه الانجیل فیه هدی و نور» مائده/۴۶

اکنون سخن در این است که با وجود برخورداری ادیان آسمانی از منشأی سراسر خیر و رحمت و روشنی، چرا در واقعیت زندگی انسانها همواره تأثیری یکسان نداشته، بلکه کارکردی دوگانه داشته اند؟ گاه بر شفافیت ها افزوده اند، و زمانی تیرگی ها را نمایانده اند. گاه میان ناآشنایان و عناد ورزان دیرین، پیوندی فراتر از خویشاوندی رقم زده اند، و زمانی هم میان خویشاوندان، بیگانگی پدید آورده اند! این کارکرد دوگانه، چیزی نیست که دگراندیشان و دین ناباوران بدان اشاره کرده باشند، بلکه حقیقتی است که قرآن، خود بدان تصریح کرده است:

«و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنين و لا یزید الظالمين إلا خساراً» اسراء/۸۲

و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم، ولی ستمگران را جز زیان نمی افزاید.

در این آیه، دو تأثیر و کارکرد کاملاً متفاوت برای آیات قرآن بیان شده است:

۱. شفا بخشی و رحمت آفرینی برای مخاطبان و دریافت کنندگان با ایمان.

۲. زیانباری و خسارت افزایی برای آنان که سیه کار و ظالمند.

آنچه در این میان مجال تأمل و توجه دارد، این است که هر چند قرآن برای آیات خویش، تأثیر و عملکردی دوگانه و ناهمساز معرفی کرده است، اما این دوگانگی به تعارض و ناسازگاری درونی آیات وحی منتهی و منتسب نمی شود و نباید بشود؛ زیرا تفاوت تأثیرگذاری و کارکرد آیات وحی در نتیجه تفاوت ماهیت مخاطبان پدید آمده است، و تناقض زمانی شکل می گیرد که یک عامل مؤثر در شرایط و موقعیت یکسان، آثار ناهمساز از خود بروز دهد.

خورشید جهانتاب به عنوان مظهر نور در طبیعت نیز چنین کارکرد دوگانه ای را از خود برجای نهاده و می نهد، برخی اجسام را شفاف تر می نماید و بعضی را که سیاه و کدر هستند، تیرگی و تاریکی شان را می نمایاند.

باران نیز که در لطافت طبعش خلاف نیست، در باغ، لاله رویاند و در شوره زار، خس! بنابراین، نه تنها وحی آسمانی که مائده ها و نعمتهای زمینی نیز در زندگی انسان و پدیده های جهان، کارکردی دوگانه دارند، و این کارکرد دوگانه لازمه پویایی و سازندگی و تأثیرگذاری آنهاست، و از این منظر، سوزش سرمای زمستان به عنوان یکی از کارکردهای طبیعت، به همان اندازه مهم و ضروری است که نشاط انگیزی و حیات آفرینی نسیم بهار. آمادگی انسان برای انتخاب «فجور» به همان میزان شرط اراده و انتخابگری اوست که تمایل انسان و استعداد او برای «تقوا»، و سرانجام آن که مقاومت ها، موضع گیری ها، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد در قلمرو دین، به همان ملاک، بایسته و اجتناب ناپذیر است که انسان دوستی، الفت جویی، خیرخواهی، ایثار و... هرچند هر کدام از این واژگان که به نوبه خود زیبا، جذاب و منطقی هستند می توانند مورد سوء استفاده و تفسیر نادرست نیز قرار گیرند.

تفسیرهای ناروا از پیامهای دینی

در سرمقاله شماره پیشین به عوامل و زمینه های درون دینی سازگاری یا ناسازگاری ادیان و پیروان ادیان اشارت داشتیم و اکنون زمان آن فرا رسیده است تا عوامل و انگیزه های برون دینی ناسازگاری پیروان ادیان را مورد توجه قرار دهیم. تفسیر ناروا از مفاهیم و معارف و توصیه های دینی در نوک این پیکان قرار دارد. تعبیر قرآن از این مشکل بنیادی چنین است:

«و من الذین هادوا یحرفون الکلم عن مواضعه» نساء/۴۵

برخی از یهودیان کلمات خدا را به معنی دگرگون می کنند.

«فبما نقضهم ميثاقهم لعناهم و جعلنا قلوبهم قاسية يحرفون الكلم عن مواضعه و نسوا حظاً مما

ذکروا به و لاتزال تطلع علی خائنة منهم إلا قليلاً منهم» مائده/۱۳

اهل کتاب - جز اندکی از ایشان - به خاطر اینکه پیمانهای خود را شکستند، از رحمت خود دورشان کردیم و در نتیجه دلهاشان سخت و حق ناپذیر گردید، و - برای گریز از حق و توجیه کردار ناپسند خود - به تحریف کلمات و تفسیر نادرست پیامهای دین همت گماشته و پندها و موعظه ها را به فراموشی سپردند، و - در پرتو این توجیه گری است که - هر از گاه شاهد کارهای خائنه آنان خواهی بود.

در این آیه ریشه ها و ابعاد تفسیر نادرست مفاهیم دینی به صورت روشن تری تبیین شده است؛ چه اینکه آغاز گرایش به تحریف کلمات وحیانی و مفاهیم دینی، پیمان شکنی و نقض تعهدات دینی و فطری بیان گردیده، که نقض تعهدات انسانی و الهی، ناهنجاری روانی و مقاومت ذهنی در برابر حق را - که در فرهنگ قرآنی از آن به عنوان قساوت و سخت دلی یاد شده است - در پی خواهد داشت و در نهایت به نادیده گرفتن حق و توجیه اندیشه ها و رفتارهای خود به وسیله تحریف معانی وحیانی و دینی خواهد انجامید!

اینکه انگیزه افراد یا گروه ها در تحریف مفاهیم دینی و توجیه و تأویل نادرست آنها چیست؟ خود نیاز به تأمل بیشتر دارد.

انتساب مفاهیم غیردینی به دین

همان گونه که تفسیر ناروای یک متن مسلم و قطعی دینی، بُعدی از ابعاد تحریف گری است، وارد ساختن مفاهیم و مطالب غیردینی در ساختار مفاهیم دین نیز تحریف به شمار آمده است. با این فرق که در نوع اول، تصرف و دست کاری در متن مسلم دینی انجام گرفته و در نوع دوم، متن غیردینی به شکل و رنگ متن دینی عرضه شده است.

«فویل للذین یکتبون الکتاب بأیدیهم ثم یقولون هذا من عندالله لیشتروا به ثمناً قليلاً»

بقره/ ۷۹

پس وای بر آنان که مطالبی را با دست خود - بدون اینکه پشتوانه وحیانی و دینی داشته باشد - می نویسند و آن را به خدا نسبت داده، چنین وا نمود می کنند که از جانب خدا نازل شده است و البته هدف آنان از این کار، دستیابی به سود و منفعتی است که - هر اندازه هم کلان باشد، در مقایسه با خطا و جرمی که مرتکب شده اند - ناچیز به شمار می آید.

بدیهی است که میان دو تحریف، تفاوت‌های عمده ای وجود دارد؛ چه اینکه افزودن مسائل غیردینی به دین و نسبت دادن آنها به خدا و وحی - به گونه ای که مورد پذیرش عام قرار گیرد - کار خاصی است که در توان همگان نیست و معمولاً از سوی مراکز رسمی دینی و عالمان و مفسران شناخته شده صادر گشته یا پذیرفته می شود؛ حال آن که تفسیر نادرست مطالب و متون دینی، از گستردگی و پیچیدگی و تنوع بیشتری برخوردار است.

آرمان جویی های نامعقول

انسان به طور طبیعی موجودی ارتقا طلب و آرمان خواه است و همواره از افقهای آینده زندگی و عرصه های مختلف حیات، تصاویر زیبا و خیال انگیزی را می آفریند و سپس همت و تلاش خود را در راه دستیابی به آنها به کار می گیرد. آرمان خواهی به عنوان یک عنصر محرک و پیش برنده، کاربردهای ویرانگری نیز دارد که از آن جمله خیال پردازی های غیرواقعی در قلمروهای مختلف زندگی و دین است.

شاید نتوان دین و مذهبی را یافت که پیروان آن، از این آفت در امان مانده باشند و برای خود امتیازاتی فراتر از ملاکهای عقلانی قائل نباشند:

«و قالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً أو نصارى تلك أمانيهم قل هاتوا برهانكم إن كنتم صادقين» بقره/۱۱۱

و گفتند: جز یهودان و ترسایان کسی به بهشت نمی رود، این آرزوی آنهاست؛ بگو: اگر راست می گویند حجت خویش بیاورید.

در این بیان، امانی و آرزوپروری های برخی پیروان ادیان از آن رو منتفی شمرده شد است که پشتوانه عقلی و دینی نداشته و ندارد.

«ليس بأمانیکم و لا أمانی أهل الكتاب من يعمل سوءاً یجز به و لا یجد له من دون الله ولیاً و لانصیراً» نساء/۱۲۳

نه بر وفق مراد و آرمان شما و نه بر اساس آرزوهای اهل کتاب، خدا پاداش و جز خواهد داد، بلکه هر کس مرتکب کار زشت شود مجازات خواهد شد و جز خدا یار و سرپرستی نیست.

از مضمون آیه استفاده می شود که آرمان گرایی پیروان ادیان، در بخش مهمی مربوط به تجزیه و تحلیل سعادت‌مندی خود و شقاوت دیگران است که در این زمینه از ملاکهای عقلانی و معیارهای دینی خارج شده و گرفتار پندار و خودبرتتری بینی مطلق می شوند و این بلایی است که دامن گیر توده متدینان و گروهی از خواص متصلب می شود.

«و منهم أُمیون لا یعلمون الكتاب إلا أمانی و إن هم إلا یظنون» بقره/۷۸

برخی از ایشان بی سوادانی هستند که کتاب آسمانی را چیزی نمی دانند جز مطالبی پنداری و خیالات خام - که در متن کتاب وجود ندارد - و فقط گمان می برند.

پیروان ادیان به دلیل آموزه های عامیانه و برون دینی، معمولاً برای خود نزد خداوند جایگاهی قائلند که از تقرب و مصونیت ویژه برخوردار است و به خود چنین تلقین می کنند که به دلیل این تقرب و

مصونیت و حقانیت دینی، اگر خطاهایی نیز مرتکب شوند، چندان مورد عتاب خداوند قرار نخواهند گرفت، و اما دیگران به دلیل مطرود بودن از درگاه حق، حتی اگر کارهای نیک هم انجام دهند، پاداش بایسته و شایسته ای دریافت نخواهند کرد.

«قل إن کانت لکم الدار الآخرة عندالله خالصةً من دون الناس فتمنوا الموت إن كنتم صادقین»

بقره/۹۴

به - یهودیان که خود را نژاد و نسل برتر و ممتاز و مقرب حق می دانند - بگو: اگر به راستی نعمتهای جهان آخرت و مقامهای معنوی نزد خداوند ویژه شماست و سایر مردم سهمی در آن ندارند، پس اگر اعتقاد یقینی به این باور دارید و در این اظهارات راستگو هستید، آرزوی مرگ نمایید - تا زودتر به این همه نعمت و امتیاز دست پیدا کنید! -

«قل یا ایها الذین هادوا إن زعمتم أنکم أولیاء الله من دون الناس فتمنوا الموت إن كنتم صادقین»

جمعه/۶

بگو: ای قوم یهود! اگر بر این پندار هستید که شما دوستان خدا هستید و دیگر مردمان دارای چنین امتیازی نخواهند بود، پس اگر در این پندار خود صادق و مطمئن هستید، آرزوی مرگ کنید تا زودتر به ساحت پر نعمت خداوند راه پیدا کنید و از شرور این جهان راحت شوید!

فرصت طلبی و حق پوشی عالمان

یکی دیگر از عوامل برون دینی که میان پیروان ادیان مرزبندی های خصمانه پدید آورده و می آورد، فرصت طلبی و حق پوشی برخی عالمان صاحب نفوذ و قدرت طلب و عوام فریب است که موقعیت و منزلت اجتماعی آنان ایجاب می کند تا مریدان خود را با وعده ها و نویدهای دروغین و امتیازهای خیالی دلخوش نگاه دارند، و به جای تبیین منطق و عقلانی مدعیات دینی خود به تصورات و تخیلات توده ها دامن زده و عصبیت و نژاد و قومیت و... را جایگزین دلیل و برهان سازند.

«تخذوا أحبارهم و رهبانهم أرباباً من دون الله و المسيح بن مریم»

توبه/۳۱

اهل کتاب، پیشوایان دینی و عالمان خود و مسیح را به جای خدا به خدایی گرفته اند! در روایات معصومین(ع) توضیح داده شده است که منظور آیه این نیست که توده مردم به جای خدا، در برابر عالمان به نیایش و کرنش می پردازند، بلکه منظور اطاعت بدون تفکر و تعقل از ایده ها و آرمانها و آموزه های آنان است.

آنچه یاد شد، نمونه ای از عوامل برون دینی است که بر اندیشه پیروان ادیان سنگینی کرده و جدایی و دوگانگی ادیان را به ستیز و بدخواهی میان پیروان آنها کشانده است. بدیهی است که مجال برای تأمل و کشف زوایا و عوامل دیگر بسیار گسترده است و با دقت در آیات وحی می توان به نکته ها و ظرفیتهای بیشتری دست یافت. امید آن که اهل تحقیق این مهم را پی گیرند و بنیانهایی عملی و علمی برای گفت و گو و هم اندیشی ادیان و پیروان آنها پی ریزند.

